

## تصویر‌گونی ساخت‌های سببی در زبان فارسی: اصل فاصله

غلامرضا محیی‌الدین قمشه‌ای\*

### چکیده

مطالعات گسترده انجام‌شده در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که ساختار واژی- نحوی ساخت‌های سببی در زبان‌های مختلف منعکس‌کننده ادراک انسان از چگونگی رابطه سبب و نتیجه در رویدادهای جهان خارج است. در این پژوهش، پس از پرداختن به مفاهیم اصلی، ارکان و انواع ساخت‌های سببی (واژگانی، صرفی و مرکب)، در چهارچوب یافته‌های کامری (1989)، دیکسون (2000)، و هایمن (1983)، (اصل تصویر‌گونی فاصله)، با استناد به شواهد و داده‌هایی از انواع ساخت‌های سببی فارسی، نشان داده شده است که: در انواع ساخت‌های سببی فارسی، فاصله صوری- موجود بین عناصر در ساختار صوری- منعکس‌کننده فاصله مفهومی- موجود بین عناصر مفهومی مربوطه- است. نتایج این پژوهش اولاً مبنی‌انگیزگی (تصویر‌گونی) این گونه ساخت‌ها در زبان فارسی است؛ و ثانیاً مؤید جهانی بودن مبانی نظری زبان‌شناسی شناختی- نقش‌گرا می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ساخت سببی، سبب (رویداد سبب)، نتیجه (رویداد نتیجه)، سبب‌ساز، سبب‌پذیر، سببی واژگانی، سببی صرفی، سببی مرکب، فاصله صوری، فاصله مفهومی.

### ۱. مقدمه

هایمن (Haiman, 1985 a: 108-111)، کامری (Comrie, 1985: 232-235)، کولیکوو (Kulikov, 1993) و دیکسون (Dixon, 2000: 74-78) جمله‌گی بر هم‌بستگی (correlation) میان ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی صحنه گذاشته و آن را به عنوان

\* استادیار گروه علوم انسانی، بنیاد دانش‌نامه‌نگاری ایران r.ghomshei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۴

گرایشی عام در چهارچوب اصل تصویرگونگی فاصله تحلیل و تبیین کرده‌اند. دبیر مقدم (۱۳۶۷) نیز ویژگی‌های صرفی- نحوی و معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی، و ارتباط میان این دو را، بررسی و تحلیل کرده و در جای جای مقاله مزبور، بدون اشاره به نظریه تصویرگونگی، وجود هم‌بستگی میان ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی فارسی را مورد تأیید قرار داده است. همچنین نتایج سایر کارهای پژوهشی معتبر انجام‌شده در زمینه تصویرگونگی ساخت‌های آوایی، صرفی، و نحوی همچون غنی‌آبادی (۱۳۷۵) و شریفی‌مقدم (۱۳۸۵) نیز مؤید وجود هم‌بستگی یاد شده است.

در این پژوهش بر آن‌ایم تا در چهارچوب نظریه عام تصویرگونگی و اصل تصویرگونگی فاصله- هایمن (1985) - ارتباط میان ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی فارسی را بررسی کنیم و، با تکیه بر آرای پژوهش‌گران و یافته‌های حاصل از پژوهش‌های معتبر انجام‌شده و با استناد به شواهد و داده‌هایی از انواع ساخت‌های سببی فارسی، نشان دهیم:

اولاً، رابطه صورت و معنی در انواع ساخت‌های سببی فارسی، همچون دیگر زبان‌ها، رابطه‌ای است انگیزه (مبتنی بر انگیزه تصویرگونگی) و نه قراردادی؛ ثانیاً، ماهیت و چگونگی هم‌بستگی میان ویژگی‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی فارسی بر اساس اصل تصویرگونگی فاصله تبیین‌پذیر است.

## ۲. تعریف ساخت سببی و ارکان آن

ساخت سببی به نمود دستوری یا واژگانی سببیت در رویدادهای (جهان خارج) حالت سببی (causativity) اطلاق می‌شود. دکوپره در تعریف ساخت سببی چنین می‌نویسد: «حالت سببی بیان‌گر وضعیت علی- معلولی‌ای است که در آن کسی یا چیزی موجب وقوع رویداد یا پدیده‌ای گردد» (De Cuypere, 2008:146; Comrie, 1989: 165-166) ساخت‌های سببی را ساخت‌های پیچیده‌ای مشتمل بر دو رویداد (event) دانسته‌اند:

الف) رویداد سبب (سبب) (causing event/ cause): رویدادی که طی آن سبب‌ساز (causer) عملی را آغاز می‌کند یا به انجام می‌رساند؛

ب) رویداد نتیجه (نتیجه) (caused event/result/effect): رویدادی که طی آن سبب‌پذیر (causee)، تحت تأثیر عمل سبب‌ساز، عملی را انجام داده و یا متحمل تغییری در وضعیت و یا حالت می‌شود.

دبیر مقدم ساخت‌های سببی را چنین تعریف می‌کند:

ساخت‌های سببی به مجموعه جملاتی اطلاق می‌شود که در آن شخصی، حادثه‌ای، یا پدیده‌ای ... محرک و انگیزه‌ای می‌گردد تا شخص دیگری یا شیئی ... عملی را انجام دهد، پذیرای حالتی شود، یا در حالتی باقی بماند (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۱۹).

### ۳. روابط و ارکان ساخت‌های سببی

شیباتانی (Shibatani, 2001) شکل‌گیری یک ساخت سببی را مستلزم حضور ارکان و روابط مندرج زیر می‌داند:

الف) رویداد سبب (سبب) Causing event:

ب) رویداد نتیجه (نتیجه) Caused event (result):

ج) سبب‌ساز (Causer):

د) سبب‌پذیر (Causee):

ه) وجود رابطه علی - معلولی میان رویداد سبب و رویداد نتیجه؛

و) تقدم زمانی رویداد سبب بر رویداد نتیجه.

با مثالی از یک ساخت سببی فارسی مصادیق مربوط به هر یک از ارکان و روابط یادشده فوق را شناسایی می‌کنیم:

مادر بچه‌ها را وادار کرد که غذایشان را بخورند (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۲۲).

الف) رویداد سبب (سبب) = وادار کردن؛

ب) رویداد نتیجه (نتیجه) = خوردن غذا (توسط بچه‌ها)؛

ج) سبب‌ساز = مادر؛

د) سبب‌پذیر = بچه‌ها؛

ه) میان رویداد سبب (وادار کردن) و رویداد نتیجه (خوردن غذا توسط بچه‌ها) رابطه

علی - معلولی وجود دارد، چرا که در یک بافت طبیعی تعبیر گویشور فارسی زبان از جمله

(۱) آن است که، در صورت عدم اجبار از جانب مادر، بچه‌ها غذایشان را نمی‌خورند. به

بیان دیگر، «وادار کردن» علت و خوردن غذا (توسط بچه‌ها) معلول تلقی می‌شود؛

و) رویداد سبب نسبت به رویداد نتیجه تقدم زمانی دارد، زیرا در یک بافت طبیعی تعبیر

گویشور فارسی زبان از جمله بالا آن است که خوردن غذا توسط «بچه‌ها» پس از اعمال

اجبار توسط مادر تحقق یافته است.

رویداد سبب	رویداد نتیجه
(وادارکردن)	(خوردن غذا)
E1	E2

#### ۴. انواع ساخت‌های سببی

شیباتانی (Shibatani, 1976)، کامری (Comrie, 1989)، و اسپنسر (Spencer, 1991) ساخت‌های سببی را بر مبنای ویژگی‌های صوری‌شان به دو طبقه اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱. ساخت‌های سببی مرکب (periphrastic causative constructions) که با عناوینی همچون تحلیلی (analytic) و نحوی (syntactic) نیز از آن یاد شده است؛
۲. ساخت‌های سببی واژگانی (lexical causative constructions) و ساخت‌های سببی صرفی (morphological causative construction) که در یک طبقه جای گرفته‌اند.

تفاوت عمده میان این دو گروه آن است که هر ساخت سببی مرکب مشتمل بر دو بند (جمله) است. به بیان دیگر، در این نوع ساخت سببی، هر یک از دو رویداد (رویداد سبب و رویداد نتیجه) توسط یک فعل / گزاره مستقل نمود پیدا می‌کند؛ در حالی که ساخت‌های سببی واژگانی و صرفی تک‌جمله‌ای است و در آن‌ها هر دو رویداد (رویداد سبب و رویداد نتیجه) توسط یک بند (جمله) واحد نمود پیدا می‌کند. دبیر مقدم (۱۳۳۷) نیز ساخت‌های سببی را بر مبنای ویژگی‌های صوری‌شان به دو شاخه اصلی تقسیم کرده است:

۱. ساخت‌های سببی مرکب؛
۲. ساخت‌های سببی ساده که خود مشتمل بر سه زیرشاخه:
  - الف) ساخت‌های سببی ریشه‌ای (واژگانی)؛ ب) ساخت‌های سببی تکواژی (صرفی)؛ ج) ساخت‌های سببی کمکی است.

این طبقه‌بندی به طبقه‌بندی یادشده قبل بسیار نزدیک است (هر چند در مواردی عناوین به کار گرفته‌شده در آن با عناوین طبقه‌بندی نخست متفاوت است). شاخه‌های اول در این دو طبقه‌بندی دقیقاً بر هم منطبق‌اند. همچنین، از میان سه زیرشاخه‌ای که دبیر مقدم ذیل شاخه سبب‌های ساده آورده، دو زیرشاخه، ساخت‌های سببی ریشه‌ای و ساخت‌های سببی تکواژی، به ترتیب با آنچه در طبقه‌بندی نخست از آن‌ها با عناوین «ساخت‌های سببی واژگانی (lexical)» و «ساخت‌های سببی صرفی (morphological)» یاد شده منطبق است. از

مقایسه دو طبقه‌بندی فوق‌الذکر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دبیر مقدم (۱۳۶۷)، ضمن حفظ چهارچوب اصلی طبقه‌بندی نخست، تغییراتی را در راستای گنجاندن ویژگی‌های اختصاصی سبب‌های فارسی در آن اعمال کرده و طبقه‌بندی خاصی را از ساخت‌های سببی فارسی ارائه داشته است.

#### ۱.۴ ساخت‌های سببی واژگانی

ساخت سببی واژگانی به ساخت سببی‌ای اطلاق می‌شود که در آن رویداد سبب (سبب) و رویداد نتیجه (نتیجه) به طور توأمان در قالب یک فعل متعدی فاقد نشان‌گر سببی‌ساز (تکواژ سببی‌ساز مستقل) نمود پیدا کنند. به بیان دیگر، در فعل سببی این نوع ساخت، تکواژ سببی‌ساز قابل تفکیکی به چشم نمی‌خورد و فعل سببی نشان‌دهنده حالت ادغام کامل تکواژ سببی‌ساز و تکواژ نتیجه است. افعال سببی واژگانی در اغلب زبان‌ها مجموعه‌ای کم‌تعداد و غیر زایا را تشکیل می‌دهند. در زبان فارسی نیز مجموعه این گروه از افعال سببی مجموعه‌ای است کم‌تعداد. دبیر مقدم این دسته افعال سببی را «سببی ریشه‌ای» نام نهاده و در طبقه‌بندی افعال سببی فارسی آن‌ها را به سه دسته «برابر»، «نابرابر»، و «نابرابر مرکب» تقسیم کرده است. در جدول ۱، نمونه‌هایی از افعال سببی ریشه‌ای / واژگانی برابر و نابرابر به همراه فعل غیر سببی مربوط به هر یک ارائه شده است. همان‌گونه که مثال‌های این جدول نشان می‌دهد، در افعال سببی برابر، صورت سببی با صورت غیر سببی عیناً یکسان است؛ در حالی که، در افعال سببی نابرابر، صورت سببی با صورت غیر سببی کاملاً متفاوت است.

جدول ۱. افعال سببی ریشه‌ای / واژگانی برابر و نابرابر در زبان فارسی (برگرفته از دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۴۹-۵۱)

فعل غیر سببی	نابرابر	برابر	فعل سببی واژگانی / ریشه‌ای
شکستن		*	شکستن
پختن		*	پختن
بریدن		*	بریدن
مردن	*		کشتن
رفتن	*		بردن
افتادن	*		انداختن

جدول ۲. مقایسه ساخت‌های سببی واژگانی/ ریشه‌ای با ساخت‌های برابر غیر سببی

ساخت برابر غیر سببی	ساخت سببی واژگانی/ ریشه‌ای
انگشتم برید	چاقو انگشتم را برید
غذا پخت	مریم غذا را پخت
شیشه شکست	علی شیشه را شکست
مریم مرد	علی مریم را کشت
بچه رفت	علی بچه را برد

#### ۲.۴ ساخت‌های سببی صرفی

عنصر اصلی، در ساخت سببی صرفی، فعل سببی صرفی‌ای است که با افزودن یک تکواژ سببی‌ساز (causative morpheme) به ستاک حال گونه غیر سببی‌اش ساخته می‌شود. از این رو، هر ساخت سببی صرفی مشتمل بر فعل سببی منفردی است متشکل از حداقل دو تکواژ: ۱. تکواژ نشان‌گر رویداد سبب (گزاره سبب)؛ ۲. تکواژ نشان‌گر رویداد نتیجه (گزاره نتیجه). در برخی از زبان‌ها افعال سببی صرفی مجموعه‌های بسیار پرعضوی را تشکیل می‌دهند؛ و این نوع فعل سببی بسیار زیاست، چنان که در حالت ایدئال در چنین زبان‌هایی می‌توان با افزودن تکواژ سببی‌ساز به هر فعل غیر سببی صرفی آن را به فعل سببی صرفی تبدیل کرد. دبیر مقدم افعال سببی صرفی فارسی را ذیل طبقه ساخت‌های سببی ساده آورده و از آن با نام «سببی تکواژی» یاد کرده و مبنای شکل‌گیری این نوع فعل سببی را افزودن تکواژ سببی‌ساز (← ان) به ستاک حال گونه غیر سببی آن دانسته است (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۵۳).

دبیر مقدم (۱۳۶۷: ۵۲-۵۵) مجموعه کامل افعال سببی صرفی/ تکواژی فارسی را همراه با برابر غیر سببی و نیز ستاک حال گونه غیر سببی‌شان در قالب فهرستی مشتمل بر ۶۸ فعل استخراج و ارائه کرده است که، برای نمونه، تعدادی از افعال سببی مندرج در فهرست یادشده به همراه برابر غیر سببی، ستاک حال گونه غیر سببی، و نیز ذکر یک مثال کاربرد فعل سببی در جمله) در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. افعال سببی صرفی / تکواژی (برگرفته از دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۵۲-۵۵)

فعل غیر سببی	ستاک حال فعل غیر سببی	فعل سببی صرفی / تکواژی	کاربرد فعل سببی در جمله
جستن	جه-	جهانیدن/ جهانیدن	مریم کودک را از جوی آب جهاندد.
پریدن	پر-	پراندن/ پرانیدن	مریم سارها را از روی درخت پراند.
دویدن	دو-	دواندن/ دوانیدن	معلم ورزش دانش‌آموزان را دور زمین فوتبال دواند.
خوابیدن	خواب-	خواباندن/ خوابانیدن	مادر با زحمت زیاد کودک را خواباند.
خندیدن	خند-	خنداندن/ خندانیدن	دلگک بچه‌ها را خنداندد.
خشکیدن	خشک-	خشکاندن/ خشکانیدن	علی همهٔ علف‌های هرز را خشکاندد.

### ۳.۴ ساخت‌های سببی مرکب

ساخت سببی مرکب، که بعضاً سببی تحلیلی یا سببی نحوی نیز نامیده شده، ساختی است متشکل از دو گزارهٔ مستقل: ۱. گزاره/ فعل بیان‌گر رویداد سبب؛ و ۲. گزاره/ فعل بیان‌گر رویداد نتیجه که در قالب دو جمله (یک جمله پایه و یک جمله پیرو) صورت‌بندی شده باشد. دبیر مقدم ساخت سببی مرکب را چنین توصیف می‌کند: «فعل سببی مرکب اصطلاحاً به فعلی اطلاق می‌شود که احتیاج به یک جمله متمم دارد و به عبارتی دیگر ساختی که آن فعل در آن ظاهر می‌شود و همیشه دارای یک جمله پایه و یک جمله پیرو متمم است». وی در باب ویژگی‌های اختصاصی ساخت‌های سببی مرکب فارسی چنین می‌نویسد:

جمله متمم تمام ساخت‌های سببی مرکب در زبان فارسی:

الف) توسط نشانه متمم یعنی 'که' از جمله اصلی جدا می‌گردد؛ و ب) فعل آن همیشه از وجه التزامی است (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۲۰).

در مثال‌های ۱ تا ۶ زیر، نمونه‌هایی از ساخت‌های سببی مرکب در زبان‌های فارسی و انگلیسی ارائه شده است:

۱. مادر بچه‌ها را وادار کرد که غذایشان را بخورند.  

$$\begin{array}{c} 1 \\ 2 \end{array}$$
۲. مریم علی را مجبور کرد که خانه‌اش را بفروشد.  

$$\begin{array}{c} 1 \\ 2 \end{array}$$
۳. این زن باعث شد که علی بهترین دوستم را بکشد.  

$$\begin{array}{c} 1 \\ 2 \end{array}$$

4. I caused john to go.

1                      2

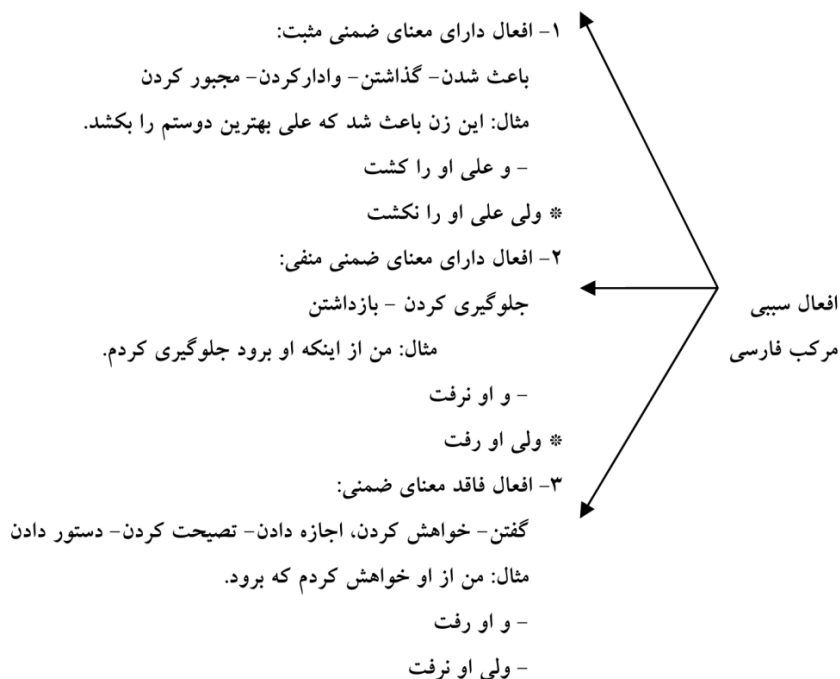
5. john ordered Mary to leave the town.

1                      2

6. The teacher forced the student to leave.

1                      2

آنچه در مورد همه ساخت‌های سببی مرکب از جمله جملات ۱ تا ۶ فوق‌الذکر صدق می‌کند آن است که در همه آن‌ها برای بیان رویداد سبب از یک فعل / گزاره مستقل و برای بیان رویداد نتیجه از یک فعل / گزاره مستقل دیگر استفاده می‌شود. مثلاً، در جمله شماره ۴ از فعل / گزاره «Caused» برای بیان رویداد سبب (سبب) و از فعل / گزاره «go» برای بیان رویداد نتیجه (نتیجه) استفاده شده است (همان: ۲۱). در چهارچوب طبقه‌بندی، گیون (Givon, 1975; 1980) افعال سببی مرکب فارسی را، بر اساس معیار تضمن معنای ضمنی، به سه دسته زیر تقسیم کرده است:

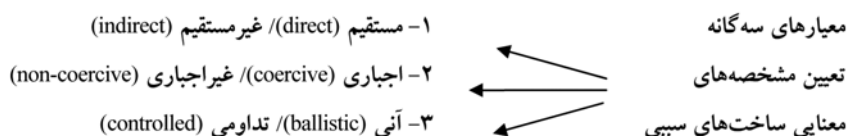


شکل ۱. طبقه‌بندی افعال سببی مرکب فارسی بر اساس معیار تضمن معنای ضمنی



## ۵. معناشناسی ساخت‌های سببی: معیارهای طبقه‌بندی معنایی

شیباتانی (1975: 40-72) و دیکسون (2000: 61-74) تفاوت‌های معنای ساخت‌های سببی را از منظر رده‌شناختی به تفصیل بررسی کرده‌اند. تالمی (Talmy, 1976) نیز همین تفاوت‌ها را از منظر منطقی مورد بررسی قرار داده است. در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در باب معناشناسی، ساخت‌های سببی، برای تعیین مشخصه‌های معنایی این گونه ساخت‌ها، اغلب از چند معیار معنایی دو ارزشی استفاده شده است که مهم‌ترین آن‌ها معیارهای سه‌گانه زیر می‌باشند:



در بخش‌های ۱.۵ تا ۳.۵ شرح مختصری از هر یک از معیارهای سه‌گانه یادشده ارائه می‌شود.

### ۱.۵ سببی مستقیم / سببی غیر مستقیم

ساخت سببی مستقیم به ساختی اطلاق می‌شود که «سبب‌ساز» خود در انجام‌دادن رویداد سبب به طور مستقیم و بی‌واسطه وارد عمل شود و برای تحقق «رویداد نتیجه» مستقیماً «سبب‌پذیر» را تحت تأثیر قرار دهد، اما در ساخت سببی غیر مستقیم، به‌عکس، سبب‌ساز در انجام‌دادن رویداد سبب از طریق واسطه عمل می‌کند و سبب‌پذیر را به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. شیباتانی در اشاره به این معیار از اصطلاحات دیگری همچون: *Contact vs distant* و *immediate vs mediated* نیز استفاده کرده است (Shibatani, 1976: 31-38).

تمایز معنایی میان سببی مستقیم و سببی غیر مستقیم با دقت در مثال‌های زیر (الف و ب) آشکار می‌شود.

الف) مادر باعث شد که کودک غذايش را بخورد.

ب) مادر غذا را به کودک خوراند.

تعبیر گویشور فارسی زبان از جمله الف آن است که تحقق رویداد نتیجه (خورده‌شدن غذا توسط کودک) تحت تأثیر عمل غیر مستقیم مادر (سبب‌ساز) صورت

گرفته است. مثلاً، مادر با قول‌دادن به کودک (که اگر غذایش را بخورد او را به پارک می‌برد) به طور غیر مستقیم او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود که او خود غذایش را بخورد.

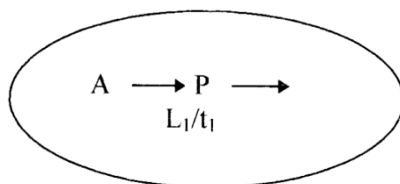
اما گویشور فارسی زبان از جمله ب تعبیر دیگری دارد. او جمله ب را چنین تعبیر می‌کند که رویداد نتیجه (خوردن غذا توسط کودک) تحت تأثیر عمل مستقیم مادر (سبب‌ساز) تحقق یافته. مثلاً این که مادر خود مستقیماً غذا را قاشق قاشق به دهان کودک فرو برده باشد. و در انجام این کار (تحقق رویداد نتیجه) از عمل فیزیکی و غیر فیزیکی بی‌واسطه بهره جسته باشد.

شیباتانی و پاردهشی (Shibatani & Pardeshi, 2002: 104) در مقاله تأثیرگذار خود با عنوان: «پیوستار سببی» (The Causative Continuum) با موشکافی و دقت بیش‌تری تفاوت‌های معنایی میان سببی مستقیم با سببی غیر مستقیم را بررسی کرده و به یافته‌ها و تعاریف دقیق‌تری در این باب دست یافته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به تعریف جدیدی که در آن مقاله از سببی مستقیم ارائه شده اشاره کرد: سببی مستقیم بیان‌گر موقعیتی است مشتمل بر یک «سبب‌ساز کنش‌گر» (agentive causer) و یک «سبب‌پذیر کنش‌پذیر» (patientive causee)؛ اما در سببی غیر مستقیم هم سبب‌ساز و هم سبب‌پذیر هر دو کنش‌گر (عامل) می‌باشند.

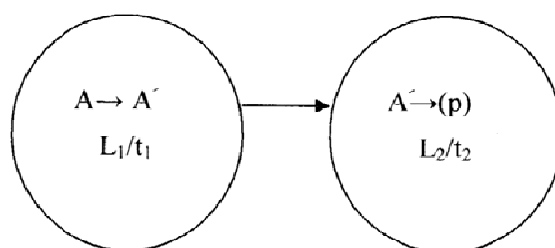
بر اساس تعریف فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در سببی‌های مستقیم که «سبب‌پذیر» کنش‌پذیر است تحقق کل عمل سببی مشتمل بر رویداد سبب و رویداد نتیجه تماماً متکی بر عمل سبب‌ساز (causer) است که این امر مستلزم انطباق زمانی – مکانی (spatio-temporal) رویداد سبب و رویداد نتیجه است. به گونه‌ای که تفکیک زمانی – مکانی این دو رویداد از یکدیگر ناممکن می‌شود. از طرف دیگر، در سببی‌های غیر مستقیم، سبب‌پذیر (causee) خود عامل / کنش‌گر و خواهان استقلال عمل برای اعمال اراده خویش در تحقق رویداد نتیجه (caused event) است. هر چند در ساخت سببی غیر مستقیم نیز سبب‌ساز عامل اولیه محسوب می‌شود. با این حال، در این نوع ساخت سببی، رویداد سبب و رویداد نتیجه تا حد زیادی از هم مستقل و قابل تفکیک بوده و به لحاظ زمانی – مکانی نیز از هویت دو رویداد مستقل برخوردارند و این ناشی از کنش‌گر / عامل بودن سبب‌پذیر در ساخت‌های سببی غیر مستقیم است.

در شکل ۱ نمودار کلی ساخت‌های سببی مستقیم و در شکل ۲ نمودار کلی

ساخت‌های سببی غیر مستقیم از دیدگاه شیباتانی و پاردشی ارائه شده و واژه‌های اصلی مرتبط با هر یک از علائم اختصاری به‌کار رفته در نمودارها نیز در مقابل علامت مربوطه درج شده است.



شکل ۱. نمودار سببی مستقیم (برگرفته از Shibatani & Pardeshi, 2002: 105)



شکل ۲. نمودار سببی غیر مستقیم (برگرفته از Shibatani & Pardeshi, 2002: 105)

A= Agent	کنش‌گر / عامل
P= Patient	کنش‌پذیر
L <sub>1</sub> = Location <sub>1</sub>	مکان ۱
t <sub>1</sub> = time <sub>1</sub>	زمان ۱
L <sub>2</sub> = location <sub>2</sub>	مکان ۲
t <sub>2</sub> = time <sub>2</sub>	زمان ۲

## ۲.۵ معیار دوم سببی اجباری / سببی غیر اجباری

مبنای تمایز میان این دو نوع ساخت سببی اعمال یا عدم اعمال جبر از جانب «سبب‌ساز» بر «سبب‌پذیر» است؛ به بیان دیگر، مبنای جای‌گرفتن ساخت سببی در یکی

از این دو طبقه آن است که سبب‌ساز در فرایند سببی و تحقق «رویداد نتیجه» به زور و جبر متوسل شده باشد یا نه. دبیر مقدم معیار اجبار در مقابل عدم اجبار را چنین تعریف کرده: «به طور خلاصه این معیار به اعمال یا عدم اعمال جبر از سوی سبب (سبب‌ساز) بر مسبب (سبب‌پذیر) برای تحقق فرایند سببی دلالت دارد» (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۳۰). مثال‌های الف ۱ تا ۳ و ب ۴ تا ۶ نشان‌دهنده تفاوت‌های معنایی سببی‌های اجباری با سببی‌های غیر اجباری است.

الف) سببی‌های اجباری (coercive):

۱. مریم کودک را روی زمین کشاند.

۲. مادر غذا را به کودک خوراند.

۳. گروهبان سربازها را دور پادگان دواند.

ب) سببی‌های غیر اجباری (non-coercive):

۴. مادر باعث شد که کودک غذایش را بخورد.

۵. نسرین باعث شد که علی لباس‌هایش را بپوشد.

۶. دلک باعث شد که بچه‌ها بخندند.

هر چند در مورد ساخت‌های سببی مثال‌های ۱ تا ۳ تصور بافتی که در آن فرایند سببی بدون اعمال جبر از سوی «سبب‌ساز» بر «سبب‌پذیر» محقق شده باشد ناممکن نیست اما به طور طبیعی و در بافت عادی تعبیر شمی گویشور فارسی‌زبان از ساخت‌های مربوط به مثال‌های ۱ تا ۳ آن است که، در ساخت‌های سببی یادشده، فرایند سببی با نوعی اجبار از سوی «سبب‌ساز» و نوعی اکراه از سوی «سبب‌پذیر» همراه بوده است. تعبیری که در مورد مثال‌های ۴ تا ۶ صادق نیست. در مورد ساخت‌های سببی مربوط به مثال‌های ۴ تا ۶ تعبیر گویشور آن است که فرایند سببی در آن‌ها بدون اعمال اجبار از جانب سبب‌ساز بر سبب‌پذیر تحقق یافته است. مثلاً، تعبیر عادی از جمله الف - ۲ آن است که «سبب‌پذیر» (کودک) چندان رغبتی به خوردن غذا نداشته و «سبب‌ساز» (مادر) برای تحقق رویداد نتیجه (خوردن غذا توسط کودک) او را مجبور کرده است. تعبیری که در مورد ساخت سببی مربوط به مثال ب - ۶ صادق نیست. در فرایند سببی مربوط به این ساخت «سبب‌ساز» (دلک) کودکان را مجبور به خندیدن نمی‌کند بلکه مثلاً با شکلک‌درآوردن و ... انگیزه و زمینه خندیدن را برای آن‌ها فراهم می‌نماید.

### ۳.۵ سببی آنی / سببی تداومی

در ساخت‌های سببی آنی (ballistic)، سبب‌ساز صرفاً عامل تحریک‌کننده و آغازگر است و در تحقق فرایند سببی نقش دیگری ایفا نمی‌کند. «رویداد سبب» نیز صرفاً به منزله آغازگری است که توسط سبب‌ساز صورت می‌گیرد، رویدادی که قهراً و نهایتاً به «رویداد نتیجه» ختم می‌شود و سبب‌ساز در تحقق آن فراتر از آغازگری و تحریک‌کنندگی اولیه نقش دیگری ایفا نمی‌کند. اما برعکس در ساخت‌های سببی تداومی (controlled)، سبب‌ساز در طول فرایند سببی از آغاز تا پایان (تحقق رویداد نتیجه) فرایند را همراهی و آن را کنترل می‌کند. دبیر مقدم معیار یادشده را چنین تعریف کرده:

اگر در تحقق عمل یا حالتی که جمله متمم بدان دلالت دارد سبب (سبب‌ساز) تنها نقش برانگیزندگی و آغازکنندگی را داشته باشد، نقش سبب (سبب‌ساز) را آنی می‌نامیم و در صورتی که نقش سبب (سبب‌ساز) تا تحقق کامل عمل یا حالتی که جمله متمم بدان دلالت دارد ادامه یابد نقش او را تداومی خواهیم نامید (همان: ۳۱).

مثال‌های الف (۱-۳) و ب (۴-۶) زیر تمایز معنایی میان سببی‌های آنی و سببی‌های تداومی را نشان می‌دهند.

الف) ساخت‌های سببی آنی:

۱. زنگ تلفن باعث شد که مریم به موقع به مدرسه برسد.
۲. صدای آژیر باعث شد که سعید تا صبح به خواب نرود.
۳. مصرف داروی اشتباهی باعث شد که علی یک ماه در بیمارستان بستری شود.

ب) ساخت‌های سببی تداومی:

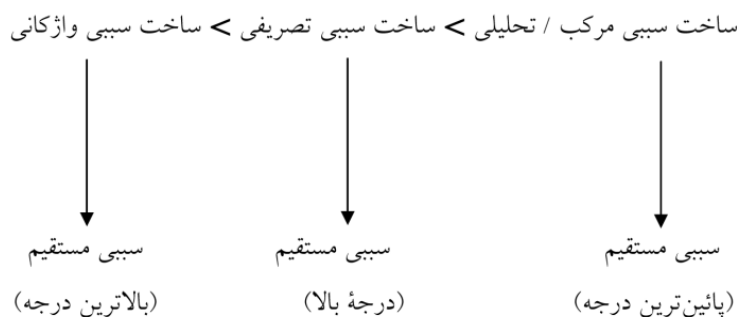
۴. علی سرباز زخمی را به کنار دیوار کشاند.
۵. مادر همه غذا را به کودک خوراند.
۶. مربی دانش‌آموزان را پنج بار دور زمین چمن دواند.

در مثال‌های الف (۱-۳) «سبب‌ساز» در فرایند سببی صرفاً آغازگری است که پس از ایفای نقش آغازگری/برانگیزندگی اولیه در تداوم فرایند سببی تا تحقق رویداد نتیجه هیچ‌گونه حضوری ندارد. مثلاً، در الف (۱) زنگ تلفن (سبب‌ساز) صرفاً موجب بیدار شدن مریم از خواب می‌شود و در طول فرایند سببی تا تحقق «رویداد نتیجه»

(رسیدن به موقع مریم به مدرسه) هیچ‌گونه نقشی ایفا نمی‌کند، اما به‌عکس در مثال‌های ب (۴-۶) سبب‌ساز هم نقش محرک اولیه را ایفا می‌کند و هم در طول فرایند سببی تا تحقق «رویداد نتیجه» حضور داشته و بر فرایند کنترل و نظارت دارد. مثلاً، در مثال ب (۵) مادر (سبب‌ساز) در طول فرایند سببی تا تحقق رویداد نتیجه (خورده‌شدن غذا توسط کودک) حضور، کنترل، و نظارت دارد.

## ۶. هم‌بستگی صورت و معنی در ساخت‌های سببی

وجود الگوی مشابه هم‌بستگی میان صورت و معنی در ساخت‌های سببی زبان‌های جهان موضوعی است که توجه بسیاری از زبان‌شناسان را به خود جلب کرده؛ کامری (Comrie, 1981: 172) مدعی است تمایز معنایی سببی مستقیم / سببی غیر مستقیم با نوعی تمایز صوری میان ساخت‌های مرتبط با این دو همراه است، و میان تفاوت‌های صوری و تفاوت‌های معنایی ساخت‌های سببی هم‌بستگی وجود دارد، و این‌که نوع و شکل این هم‌بستگی در زبان‌های مختلف مشابه است. چنان‌که می‌توان دو پیوستار مرتبط زیر را برای نشان‌دادن الگوی هم‌بستگی صورت و معنی در ساخت‌های سببی ترسیم کرد.



شکل ۳. پیوستار هم‌بستگی صورت و معنی در ساخت‌های سببی (Comrie, 1981)

دیکسون (2000) نیز انواع ساخت‌های سببی را بر مبنای ساختار صوری و سازوکار سببی‌سازی‌شان در قالب یک پیوستار صورت‌بندی کرده است. معیار / مقیاس اصلی دیکسون در طراحی این پیوستار درجه ترکیب / فشردگی (compactness) عناصر صوری در ساخت‌های سببی است.



شکل ۴. پیوستار ساخت‌های سببی - مقیاس درجه ترکیب/فشردگی (برگرفته از Dixon, 2000)

پس از طرح این پیوستار، دیکسون با ارائه داده‌ها و شواهدی از زبان‌های مختلف نشان می‌دهد میان درجه ترکیب/فشردگی یک ساخت سببی با معیارهای معنایی، از جمله معیار مستقیم‌بودن/غیر مستقیم‌بودن، هم‌بستگی وجود دارد؛ و در مورد این هم‌بستگی چنین می‌نویسد:

همواره میان ارزش مثبت معیار مستقیم/غیر مستقیم با جای گرفتن در مرتبه بالاتر مقیاس درجه ترکیب/فشردگی و به‌عکس میان ارزش منفی معیار مزبور با جای گرفتن در مرتبه پایین‌تر مقیاس درجه ترکیب/فشردگی مطابقت به چشم می‌خورد (Dixon, 2000: 77).

همچنین او بر این نکته تأکید دارد که یافته‌های او مؤید یافته‌های کامری و نیز یافته‌های هایمن (1985) در باب هم‌بستگی میان فاصله مفهومی و فاصله صوری (اصل تصویرگونگی فاصله) و نیز تعمیم آن در تبیین رابطه صورت و معنی ساخت‌های سببی است. دبیر مقدم (۱۳۶۷) نیز، در تحلیل معنایی و تبیین رابطه صورت و معنی ساخت‌های

سببی فارسی و بیان وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها، نظریات، استدلال‌ها و شواهدی را مطرح می‌سازد که به نظر نگارنده می‌تواند در اثبات هم‌بستگی میان صورت و معنی ساخت‌های سببی و به تبع آن تأیید تصویر‌گونگی این ساخت‌ها مورد استناد قرار گیرد. شماره‌های ۱ تا ۵ همراه با ذکر نقل‌قول‌های مربوطه نمونه‌هایی است از استدلال‌ها، نظریات، و شواهد مورد اشاره:

۱. در تأیید اصل تصویر‌گونگی (به طور عام) و تصویر‌گونگی ساخت‌های سببی به طور خاص: «سپس استدلال شد که صورت نحوی ساخت‌های سببی مرکب ... بازتاب مستقیم ویژگی‌های معنایی آن‌هاست» (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۷۹).

۲. در تأیید وجود هم‌بستگی میان ویژگی‌های صورتی و ویژگی‌های معنایی در ساخت‌های سببی: «این تفاوت‌های نحوی بین سببی‌های مرکب و ساده (واژگانی و صرفی) به گونه‌ای منظم با تفاوت‌های معنایی بین این دو ساخت مرتبط است» (همان: ۷۴).

۳. در تأیید فاصله مفهومی بیش‌تر میان رویداد سبب (سبب) و رویداد نتیجه (نتیجه) در ساخت‌های سببی مرکب نسبت به فاصله مزبور در ساخت‌های سببی ساده (ساخت‌های سببی واژگانی و صرفی).

این بدان معنی است که در ساخت‌های سببی مرکب، سبب (سبب‌ساز) اساساً محرک و برانگیزاننده فرایندی است که جمله متمم بدان دلالت دارد و مسبب (سبب‌پذیر) با برخوردار از آزادی عمل ... همچون عنصری ذی‌اراده عمل می‌کند و بر عملی که جمله پیرو بدان اشاره می‌کند تسلط دارد (همان).

۴. در تأیید فاصله مفهومی کم‌تر میان رویداد سبب و رویداد نتیجه در ساخت‌های سببی ساده (ساخت‌های سببی صرفی):

طبیعی‌ترین بافتی که جمله (۱۳۱ الف) (← مربی ورزشکاران را دواند/ دوانید) در آن بیان می‌شود آن است که حضور جسمی سبب (سبب‌ساز) به بیان دیگر تسلط و نظارت او در سرتاسر مدت زمانی که ورزشکاران می‌دوند استمرار دارد؛ به عبارتی دیگر، در این تعبیر، مسبب (سبب‌پذیر) کورکورانه عمل دویدن را انجام می‌دهد (همان: ۷۵).

۵. در تأیید برخوردار ساخت‌های سببی مرکب از ارزش منفی معیار مستقیم/ غیر مستقیم و برخوردار ساخت‌های سببی ساده (واژگانی و صرفی) از ارزش مثبت معیار مزبور: «سببی‌های مرکب القاکننده مفهوم سببی غیر مستقیم هستند در حالی که از سببی‌های ساده مفهوم سببی مستقیم (یا سببی نه آن چنان غیر مستقیم) استنباط می‌شود» (همان: ۷۷).



## ۷. اصل تصویر‌گونگی فاصله

هایمن در تعریف اصل تصویر‌گونگی فاصله چنین می‌نویسد:

میان فاصله صوری (linguistic distance) عناصر در یک ساخت زبانی و فاصله مفهومی (conceptual distance) عناصر مفهومی مرتبط با آنها مطابقت وجود دارد (Haiman, 1983: 78).

هایمن در تشریح دقیق‌تر اصل یادشده، فاصله صوری را به شرح زیر تعریف می‌کند:

### ۱.۷ تعریف فاصله صوری

اگر  $x$ ،  $A$ ، و  $y$  سه تکواژ باشند فاصله صوری میان  $x$  و  $y$  در مقیاس زیر از بالا به پایین کاهش می‌یابد.

- (a).  $x \# A \# y$
- (b).  $x \# y$
- (c).  $x+y$
- (d).  $z$

(در این مقیاس  $\#$  نشان‌دهندهٔ مرز واژه و  $+$  نشان‌دهندهٔ مرز تکواژ است.)  
در مقیاس فوق:

- (d) نشان‌دهندهٔ کم‌ترین فاصله (ادغام دو تکواژ درهم) است.
- (c) نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ دو تکواژ وابسته (bound morpheme) است.
- (b) نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ دو تکواژ (واژه) مستقل است که نسبت به فاصلهٔ عناصر در (c) فاصلهٔ بیش‌تری است.
- (a) نشان‌دهندهٔ دو تکواژ (واژه) مستقلی است که یک تکواژ مستقل (واژه) یا بیش‌تر میانشان جای گرفته باشد.

### ۲.۷ تعریف فاصله مفهومی

هایمن فاصله مفهومی را چنین تعریف می‌کند: کم‌بودن فاصله مفهومی میان دو عنصر (مفهومی) با عوامل مندرج زیر رابطهٔ مستقیم دارد:

- الف) اشتراکشان در مشخصه‌ها، اجزا، و خصوصیات معنایی؛  
ب) تأثیر و تأثرشان بر یکدیگر؛  
ج) تفکیک‌ناپذیری‌شان از یکدیگر؛  
د) واحد تلقی شدن (شان) علی‌رغم تفکیک‌پذیری یا عدم تفکیک‌پذیری (ibid: 782).

### ۸. تصویر‌گونگی ساخت‌های سببی - اصل فاصله

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پژوهش‌های متعددی در باب تصویر‌گونگی ساخت‌های سببی انگلیسی به انجام رسید که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های الگا فیشر (1997) و فیشر و نانی (2001, 1999) اشاره کرد. در این آثار، فیشر به شواهد تاریخی فراوانی دال بر دخالت انگیزه تصویر‌گونگی در ایجاد تمایز صوری میان ساخت‌های سببی مصدری بدون «to» با ساخت‌های سببی مصدری با «to» استناد کرده است. گیون (1980)، دیکسون (2000) و هولمان (2003, 2005) نیز با تکیه بر پژوهش‌هایی که در باب ساخت‌های سببی (به‌ویژه ساخت‌های سببی مصدری بدون to و ساخت‌های سببی مصدری با to در زبان انگلیسی) به عمل آوردند و با استناد به داده‌ها و شواهد بسیاری از زبان‌های مختلف، جمله‌گی، به یافته‌ها و تلقی مشترکی از تفاوت‌های صوری - معنایی موجود میان سببی‌های مستقیم و سببی‌های غیر مستقیم دست یافتند. و با تکیه بر اصل تصویر‌گونگی فاصله (هم‌بستگی میان فاصله صوری و فاصله مفهومی) این تفاوت‌ها را توصیف و تبیین کردند.

اینان فاصله (صوری) کم‌تر میان نمود صوری «رویداد سبب» و «رویداد نتیجه» در ساخت‌های سببی مصدری بدون to، در زبان انگلیسی، را نشان‌دهنده وحدت زمانی - مکانی رویداد سبب و رویداد نتیجه و کنترل مستقیم «سبب‌ساز» بر کل فرایند سببی دانسته‌اند؛ و این دو ویژگی را با ویژگی‌های نسبت داده شده به ساخت‌های سببی مستقیم برابر شمرده‌اند. نگارنده از جمع‌بندی آنچه در این پژوهش در باب ارکان، انواع، و معناشناسی ساخت‌های سببی و نیز اصل تصویر‌گونگی فاصله مطرح شد، چهارچوب نظری خلاصه‌شده‌ای را برای تصویر‌گونگی ساخت‌های سببی استخراج کرده که در قالب دو بند الف و ب مندرج در زیر ارائه می‌شود:

الف) در یک ساخت سببی، فاصله مفهومی میان رویداد سبب (سبب) و رویداد نتیجه (نتیجه) با فاصله صوری موجود میان نمود صوری این دو رویداد رابطه مستقیم دارد؛ به

بیان دیگر، فاصله موجود بین نمود صوری رویداد سبب و رویداد نتیجه نشان‌دهنده فاصله عناصر مفهومی مرتبط با آن دو در سطح ساخت مفهومی است.

ب) در یک ساخت سببی، فاصله مفهومی کم‌تر میان رویداد سبب و رویداد نتیجه با مشخصه‌های معنایی: مستقیم‌بودن، تداومی‌بودن، و وحدت رویداد (سبب و نتیجه)، و فاصله مفهومی بیش‌تر میان این دو با مشخصه‌های معنایی: غیر مستقیم‌بودن، آنی‌بودن، و دوگانگی رویداد (سبب و نتیجه) رابطه مستقیم دارد.

هایمن اعمال اصل تصویرگونگی فاصله در تبیین رابطه صورت و معنی ساخت‌های سببی را کارساز دانسته و حاصل یافته‌ها و خلاصه نظریه خویش در باب تصویرگونگی ساخت‌های سببی را چنین جمع‌بندی کرده است:

چنانچه در زبانی دو ساخت سببی داشته باشیم که در آن‌ها مقدار فاصله صوری موجود میان نمود صوری رویداد سبب و نمود صوری رویداد نتیجه متفاوت باشد، در این صورت، تفاوت فاصله مفهومی میان رویداد سبب و رویداد نتیجه در آن دو ساخت با تفاوت فاصله صوری ذکرشده مطابقت دارد (Haiman, 1983).

همچنین هایمن با طرح مسئله وحدت/دوگانگی زمانی - مکانی رویداد سبب و رویداد نتیجه مدعی است رویداد سبب و رویداد نتیجه، در ساخت‌های سببی مرکب، وحدت زمانی - مکانی ندارند و هر کدام از هویت یک رویداد مستقل برخوردارند و این که در این نوع ساخت سببی میان سبب‌ساز و سبب‌پذیر تماس مستقیم فیزیکی برقرار نمی‌شود.

پس از هایمن، ریتز و روزن (Ritter and Rosen, 1993) نیز موضوع وحدت/دوگانگی زمانی - مکانی رویداد سبب و رویداد نتیجه را مطرح کرده و بر این مسئله تأکید داشته‌اند که یک رویداد واحد تلقی شدن و یا دو رویداد مستقل تلقی شدن، رویداد سبب و رویداد نتیجه، به نوع ساخت سببی بستگی دارد. چنان که گویشوران، در درک ساخت‌های سببی صرفی، غالباً رویداد سبب و رویداد نتیجه را رویدادی واحد تلقی می‌کنند اما، در درک ساخت‌های سببی مرکب، رویداد سبب و رویداد نتیجه را از هم تفکیک کرده و از هر کدام تلقی رویدادی مستقل دارند.

## ۹. تصویرگونگی ساخت‌های سببی فارسی - اصل فاصله

موضوع تصویرگونگی ساخت‌های سببی فارسی را با نقل قولی از دبیر مقدم، در بیان وجوه افتراق انواع ساخت‌های سببی فارسی، پی می‌گیریم:

این تفاوت‌های نحوی (صوری) بین سببی‌های مرکب و ساده (واژگانی و صرفی) به گونه‌ای منظم با تفاوت‌های معنایی بین این دو نوع ساخت مرتبط است (دبیر مقدم، ۱۳۶۷: ۷۴).

وجود نظم در تفاوت‌های نحوی انواع ساخت‌های سببی به طور منطقی حاکی از وجود اصل / اصول پدیدآورنده آن نظم است. اصل / اصولی که زبان‌شناسان شناختی - نقش‌گرا از آن با نام «انگیزه» یاد کرده‌اند. از میان این انگیزه‌ها، اغلب زبان‌شناسان انگیزه تصویرگونگی را مهم‌ترین انگیزه نظم‌دهنده رابطه صورت و معنی در انواع ساخت‌های زبانی دانسته‌اند؛ و از میان سه اصل: ۱. تصویرگونگی فاصله، ۲. تصویرگونگی توالی، و ۳. تصویرگونگی کمیت، اصل اول (تصویرگونگی فاصله) را در تنظیم رابطه صورت و معنی انواع ساخت‌های نحوی به‌ویژه ساخت‌های سببی دخیل دانسته‌اند.

پیش‌تر در بخش ۳، از چهار رکن اصلی: ۱. رویداد سبب (سبب)، ۲. رویداد نتیجه (نتیجه)، ۳. سبب‌ساز، و ۴. سبب‌پذیر، به‌منزله ارکان اصلی تشکیل‌دهنده ساخت‌های سببی یاد شد و نقش هر یک در شکل‌گیری ساخت سببی بررسی گردید. در بخش ۷ نیز اصل تصویرگونگی فاصله و مقیاس‌هایمن در تعیین فاصله صوری به تفصیل شرح داده شد.

در این بخش، پس از تعیین ویژگی‌های صوری و معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر نشان می‌دهیم که، اولاً، تفاوت‌های صوری انواع ساخت‌های سببی با تفاوت‌های معنایی همراه است. مثلاً (به‌خلاف نظر صورت‌گرایان) اختلاف صوری میان دو ساخت سببی در جمله‌های الف و ب در زیر:

الف) مادر غذا را به کودک خوراند.

ب) مادر باعث شد که کودک غذا را بخورد.

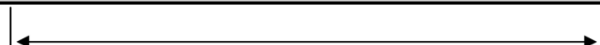
با نوعی اختلاف معنایی میان این دو همراه است؛ ثانیاً، تفاوت‌های صوری انواع ساخت‌های سببی فارسی، طبق نظم و قاعده خاصی، با تفاوت‌های معنایی میان آن‌ها مرتبط است؛ و ثالثاً، هم‌بستگی میان ویژگی‌های صوری و معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی را می‌توان بر اساس اصل تصویرگونگی فاصله تبیین کرد.

### ۱.۹ مقایسه ویژگی‌های صوری انواع ساخت‌های سببی فارسی

در جدول‌های ۴ تا ۶ زیر، اختلاف فاصله صوری میان نمود صوری رویداد سبب و نمود صوری رویداد نتیجه در انواع ساخت‌های سببی فارسی مقایسه شده است.

جدول ۴. فاصله صوتی میان نمود صوتی رویداد سبب و نتیجه در یک ساخت سببی مرکب فارسی

سبب‌ساز	رویداد سبب	سبب‌پذیر	رویداد نتیجه
معلم	باعث شد	دانش‌آموزان	بدوند



فاصله صوتی (Linguistic distance)

فاصله نمود صوتی رویداد سبب (x) از نمود صوتی رویداد نتیجه (y) بر اساس مقیاس

هایمن:  $x \#A\#y$

جدول ۵. فاصله صوتی میان نمود صوتی رویداد سبب و نتیجه در یک ساخت سببی صرفی فارسی

سبب‌ساز	سبب‌پذیر	رویداد سبب + رویداد نتیجه
معلم	دانش‌آموزان	دوانید

فاصله نمود صوتی رویداد سبب (x) از نمود صوتی رویداد نتیجه (y) بر اساس مقیاس

هایمن:  $x+y$

جدول ۶. فاصله صوتی میان نمود صوتی رویداد سبب و نتیجه در یک ساخت سببی واژگانی فارسی

سبب‌ساز	سبب‌پذیر	رویداد سبب رویداد نتیجه
علی	مریم	انداخت

فاصله نمود صوتی رویداد سبب (x) از نمود صوتی رویداد نتیجه (y) بر اساس مقیاس

هایمن: z (فاصله صفر)

مقایسه سه جدول ۴، ۵، و ۶ نشان می‌دهد که مقدار فاصله صوتی میان رویداد سبب و نتیجه در ساخت‌های سببی مرکب فارسی در بیش‌ترین حد و در ساخت‌های سببی واژگانی در کم‌ترین حد (حد صفر = فاصله میان دو تکواژ ادغام‌شده)، و در ساخت‌های سببی صرفی برابر با فاصله میان دو تکواژ وابسته است.

با این مقایسه قدم اول در اثبات تصویرگونگی ساخت‌های سببی در زبان فارسی برداشته شد. در قدم بعد، می‌بایست نشان دهیم تفاوت‌های موجود در فاصله صوتی با تفاوت‌های متناظری در فاصله مفهومی همراه است و، از آن‌جا که در هر ساخت سببی میان کمی یا زیادی فاصله مفهومی (بین رویداد سبب و نتیجه) و برخی ویژگی‌های معنایی

خاص رابطه مستقیم وجود دارد، ابتدا لازم است مشخصه‌های معنایی مرتبط با هر سه نوع ساخت سببی را شناسایی و تعیین کنیم.

در اغلب پژوهش‌های معتبر انجام‌شده در باب رابطه صورت و معنی ساخت‌های سببی، همچون شیباتانی (1975)، کامری (1985)، دیکسون (2000)، شیباتانی و پاردشی (2002)، و دبیر مقدم (۱۳۶۷)، مسئله پیوستگی برخی مشخصه‌های معنایی با نوع خاصی از ساخت‌های سببی مطرح و تأیید شده است. نگارنده بر اساس آنچه در بخش‌های ۳، ۵، و ۶ بیان گردید و با بهره‌گیری از آرا و یافته‌های پژوهش‌گران فوق‌الذکر، سه جدول برای شناسایی مشخصه‌های عام معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی تدوین کرده که در زیر با شماره‌های ۷، ۸، و ۹ ارائه می‌شود.

جدول ۷. مشخصه‌های عام معنایی ساخت‌های سببی مرکب فارسی

معیار	مستقیم / غیر مستقیم		تداومی / آنی		اجباری / غیر اجباری		وحدت / دوگانگی (رویداد سبب و نتیجه)	
	مستقیم	غیر مستقیم	تداومی	آنی	اجباری	غیر اجباری	یک رویدادی	دو رویدادی
ارزش	-	+	-	+	±	±	-	+

مثال: معلم باعث شد که دانش‌آموزان دور زمین بدونند.

جدول ۸. مشخصه‌های عام معنایی ساخت‌های سببی صرفی فارسی

معیار	مستقیم / غیر مستقیم		تداومی / آنی		اجباری / غیر اجباری		وحدت / دوگانگی (رویداد سبب و نتیجه)	
	مستقیم	غیر مستقیم	تداومی	آنی	اجباری	غیر اجباری	یک رویدادی	دو رویدادی
ارزش	+	-	+	-	+	-	+	-

مثال: معلم دانش‌آموزان را دور زمین دوانید.

جدول ۹. مشخصه‌های عام معنایی ساخت‌های سببی واژگانی فارسی

معیار	مستقیم / غیر مستقیم		تداومی / آنی		اجباری / غیر اجباری		وحدت / دوگانگی (رویداد سبب و نتیجه)	
	مستقیم	غیر مستقیم	تداومی	آنی	اجباری	غیر اجباری	یک رویدادی	دو رویدادی
ارزش	+	-	+	-	+	-	+	-

مثال: علی مریم را انداخت

## ۲.۹ فاصله مفهومی - مشخصه‌های معنایی

همان گونه که در ۱.۹ بیان شد، در هر ساخت سببی، فاصله مفهومی کم (بین رویداد سبب و نتیجه) به معنی رابطه مستقیم آن ساخت با یک مجموعه مشخصه معنایی معین، و به عکس فاصله مفهومی زیاد به معنی رابطه مستقیم آن ساخت با مجموعه دیگری از مشخصه‌های معنایی (مشخصه‌های معنایی مقابل گروه اول) است.

در اغلب پژوهش‌های انجام شده در باب تصویرگونگی ساخت‌های سببی همچون فیشر (1997) و فیشر و نانی (2001, 1999)، گیون (1980)، دیکسون (2000)، هولمان (2003, 2005)، و هایمن (1983) سه مشخصه معنایی:

۱. مستقیم بودن: تماس مستقیم میان سبب‌ساز و سبب‌پذیر؛
  ۲. وحدت (رویداد سبب و نتیجه): وحدت زمانی - مکانی دو رویداد، این که رویداد سبب و رویداد نتیجه یک رویداد واحد تلقی شوند؛
  ۳. تداومی بودن: کنترل مستمر و مستقیم سبب‌ساز بر کل فرایند سببی.
- را با فاصله مفهومی کم (بین رویداد سبب و نتیجه) و سه مشخصه معنایی مقابل آن‌ها یعنی: ۱. غیر مستقیم بودن، ۲. دوگانگی (رویداد سبب و نتیجه)، و ۳. آنی بودن را با فاصله مفهومی زیاد (بین رویداد سبب و نتیجه) در رابطه مستقیم دانسته‌اند.
- نتایج مندرج زیر، که حاصل تطبیق دو به دو جدول‌های ۴ و ۷، ۵ و ۸، ۶ و ۹ و مقایسه مشخصه‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی مرکب، ساخت‌های سببی صرفی، و ساخت‌های سببی نحوی در زبان فارسی هستند، جملگی نشان‌دهنده تصویرگونگی ساخت‌های سببی فارسی در چهارچوب اصل تصویرگونگی هایمن می‌باشند.
- جدول ۱۰. مشخصه‌های عام صوری و معنایی ساخت‌های سببی مرکب در زبان فارسی (تطبیق جدول‌های ۴ و ۷)

مشخصه‌های معنایی	مشخصه‌های صوری
+ غیر مستقیم	فاصله صوری: $x \# A \# y$
+ آنی	(بین X و Y بر اساس مقیاس هایمن)
± اجباری	تعداد جملات: دو جمله
+ دو رویدادی	

مثال: معلم باعث شد که دانش‌آموزان دور زمین بدوند.

نتایج تحلیل داده‌های فوق‌الذکر را می‌توان به شکل زیر در چهار بند خلاصه کرد:

- الف) فاصله صوری  $x \# A \# y$  نشان‌دهنده فاصله صوری زیاد است.  
 ب) مشخصه‌های معنایی: + غیر مستقیم، + آئی، + دو رویدادی نشان‌دهنده فاصله مفهومی زیاد است.  
 ج) میان فاصله صوری و فاصله مفهومی مطابقت وجود دارد.  
 د) مشخصه‌های صوری و معنایی مندرج نشان‌دهنده تصویرگونگی ساخت‌های سببی مرتبط آن است.

جدول ۱۱. مشخصه‌های عام صوری و معنایی ساخت‌های سببی صرفی در زبان فارسی (تطبیق جدول‌های ۵ و ۸)

مشخصه‌های معنایی	مشخصه‌های صوری
+ مستقیم	فاصله صوری: $x+y$
+ تداومی	(بین $x$ و $y$ بر اساس مقیاس هایمن)
+ اجباری	تعداد جملات: یک جمله
+ یک رویدادی	

- مثال: معلم دانش‌آموز را دور زمین دوآید.  
 نتایج تحلیل داده‌های فوق‌الذکر را می‌توان به شکل زیر در چهار بند خلاصه کرد:  
 الف) فاصله صوری  $x+y$  نشان‌دهنده فاصله صوری کم است.  
 ب) مشخصه‌های معنایی: + مستقیم، + تداومی، + اجباری و + یک رویدادی نشان‌دهنده فاصله مفهومی کم است.  
 ج) میان فاصله صوری و فاصله مفهومی مطابقت وجود دارد.  
 د) مشخصه‌های صوری و معنایی مندرج نشان‌دهنده تصویرگونگی ساخت‌های سببی مرتبط با آن است.

جدول ۱۲. مشخصه‌های صوری و معنایی ساخت‌های سببی واژگانی در زبان فارسی (تطبیق جدول‌های ۶ و ۹)

مشخصه‌های معنایی	مشخصه‌های صوری
+ مستقیم	فاصله صوری: $Z$
+ تداومی	(بین $x$ و $y$ بر اساس مقیاس هایمن)
+ اجباری	تعداد جملات: یک جمله
+ یک رویدادی	

مثال: علی مریم را انداخت



نتایج تحلیل داده‌های فوق‌الذکر را می‌توان به شکل زیر در چهار بند خلاصه کرد:

الف) فاصلهٔ صوری Z نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ صوری صفر (کم‌ترین فاصلهٔ صوری ممکن) است.

ب) مشخصه‌های معنایی + مستقیم، + تداومی، + اجباری + یک رویدادی نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ مفهومی کم است.

ج) میان فاصلهٔ صوری و فاصلهٔ مفهومی مطابقت وجود دارد.

د) مشخصه‌های صوری و معنایی مندرج نشان‌دهندهٔ تصویرگونگی ساخت‌های سببی مرتبط با آن است.

## ۱۰ نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی داده‌های مربوط به انواع ساخت‌های سببی فارسی در چهارچوب یافته‌های کامری (1989)، دیکسون (2000) و هایمن (1983) نشان می‌دهند: اولاً، میان ساختار صوری و معنایی انواع ساخت‌های سببی فارسی هم‌بستگی وجود دارد؛ ثانیاً، اصل تصویرگونگی فاصله با برخورداری از کارایی تبیینی بالا قادر است ماهیت و چگونگی این هم‌بستگی را توصیف و تبیین کند و انگیزتگی انواع ساخت‌های سببی فارسی را به اثبات رساند. و نهایتاً یافته‌های این پژوهش تأیید مجددی است بر جهانی بودن مبانی نظری زبان‌شناسی شناختی - نقش‌گرا به‌خصوص نظریهٔ تصویرگونگی و کارایی تبیینی بالای این نظریه در تحلیل رابطهٔ صورت و معنی انواع ساخت‌های نحوی.

## منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۷). «ساخت‌های سببی در زبان فارسی»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، س ۵، ش ۱.
- شریفی مقدم، آزاده (۱۳۸۵). «پژوهشی پیرامون تصویرگونگی در واژگان و عناصر صرفی - نحوی زبان فارسی»، رسالهٔ دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- غنی‌آبادی، سعید (۱۳۷۵). «رابطهٔ بین صورت و نقش در نحو و ساخت واژهٔ زبان فارسی»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- همایون، همداخت (۱۳۷۹). *واژه‌نامهٔ زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Comrie, B. (1981). *Language Typology and Linguistic Universals*, Chapters 2,4. Chicago: The University of Chicago Press.
- Comrie B. (1985). 'Causative Verb Formation and Other Verb-deriving Morphology', in Timoty Shopen (ed.), *Language Typology and Syntactic Description*, Vol. III, Cambridge: Cambridge University Press.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*, Oxford: Brazil Blackwell.
- De Cupere, L. (2008). *Limiting the Iconic: From the Metatheoretical Foundations to the Creative Possibilities of Iconicity in Language*, Amsterdam: John Benjamins.
- Dixon, R.M.W. (2000). 'A Typology of Causatives: Form, Syntax and Meaning', in Dixon and Aikhenvald (eds.), *Cambridge CPU*.
- Fischer, Olga. (1997). 'Iconicity in Language and Literature, Language Innovation and Language Change', *Neuphilologische Mitteilungen*, 98.
- Fischer, O. and M. Nanny (eds.) (1999). 'Iconicity as a Creative Force in Language Use', in Nanny, M. and O. Fischer (eds.), *Form Miming Meaning*, Amsterdam: John Benjamins.
- Fischer, O. and M. Nanny (eds.) (2001). *The Motivated Sign Iconicity in Language and Literature 2*, Amsterdam: John Benjamins.
- Givon, T. (1980). 'The Binding Hierarchy and Typology of Complements', *Studies in Language*, 4.
- Haiman, J. (ed.) (1985 a). *Iconicity in Syntax*, Amsterdam: Benjamins.
- Haiman, J. (1985 b). *Natural Syntax: Iconicity and Erosion*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Haiman, J. (1983). 'Iconic and Economic Motivation', *Language*, 59(41).
- Hollmann, W. (2003). *Synchrony and Diachrony of English Periphrastic Causatives: A Cognitive Perspective*, PhD Dissertation, University of Manchester.
- Hollmann, W. (2005). *The Iconicity of Infinitival Complementation in Present-day English Causatives*, in Outside-in Inside-out, C. Maeder, O. Fischer and W. J. Herlofsky (eds.), Amsterdam: John Benjamins.
- Kulikov, Leonid (1993). 'The Second Causative a Typological Sketch', in B. Comrie and M. Polinsky (eds.), *Causatives and Transitivity*, Amsterdam: John Benjamins.
- Ritter, E. and S.T. Rosen (1993). 'Deriving Causation', *Natural Language Linguistic Theory*, 11.
- Shibatani, Masayoshi (1975). *A Linguistic Study of Causative Constructions, (Syntax and Semantics)*, New York: Academic Press.
- Shibatani, Masayoshi (1976). 'The Grammar of Causative Constructions: A Conspectus', in *The Grammar of Causative Constructions*, M. Shibatani (ed.), New York, NY: Academic Press.
- Shibatani, Masayoshi (2001). *The Grammar of Causation and Interpersonal Manipulation*, Amsterdam: John Benjamins.
- Shibatani, M. and P. Pardishi (2002). 'The Causative Continuum', in *The Grammar of Causation and Interpersonal Manipulation*, Amsterdam: John Benjamins.
- Talmy, Leonard (1976). 'Semantic Causative Types', in M. Shibatani (ed.), *Syntax and Semantics 6: The Grammar of Causative Constructions*, New York: Academic Press.